

نقش محبت والدین در تربیت دینی فرزندان

چکیده

جمیله جهانتیغ^۱

این مقاله با هدف شناسایی نقش محبت والدین در تربیت دینی فرزندان تنظیم گردیده شده است تا به این سوال پاسخ داده شود که محبت والدین چه نقشی در تربیت دینی فرزندان دارد. روش به کار رفته در این مقاله تحلیلی و جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ایی بوده است. ابزار به کار رفته در جهت جمع آوری داده‌ها فیش و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. از مهم ترین نتایج این مطالعه می‌توان اشاره نمود نیروی محبت از نظر تربیتی نیروی عظیم و کارساز و بهترین تربیت آن است که بدین روش تحقق یابد، مهرورزی و محبت قانونی است که سلامت سعادت شادمانی هماهنگی و کامیابی را برای آدمی به ارمغان می‌آورد. به شرط آنکه آدمی بداند چگونه و به چه اندازه از این اکسیر حیات استفاده کند تا گرفتار افراط و تفریط که هر یک عوارض نامطلوبی در تربیت دارند نشود. اگر فرزند احساس کند که در دل و قلب والدین جا دارد، نمی‌تواند به راحتی با آنها مخالفت کند آنچه والدین را به فرزندان پیوند می‌زند، محبت است. هر چه پیوند عاطفی میان والدین و فرزندان محکم‌تر باشد، صداقت و یکرنگی و صفای بیشتری میان آنها رواج خواهد یافت. البته همه والدین محبت قلبی به فرزندان خود دارند، فقط باید از نیروی معجزه‌آسای مهر و محبت در تربیت فرزندان استفاده کنند. از آنجا که محبت یک نیاز طبیعی است، وجود و عدم آن در تعادل و عدم تعادل روح تأثیر فراوانی دارد. فرزندی که در محیط گرم محبت، پرورش می‌یابد، روانی شاد و دلی آرام و با نشاط دارد. به زندگی امیدوار و دل گرم است و خود را در این جهان پرآشوب تنها و بی‌کس نمی‌داند. در پرتو محبت، صفات عالی انسانیت، عواطف و احساسات فرزند نیز به خوبی پرورش می‌یابد که نتیجه آن، پرورش انسانی متعادل خواهد بود. احساس محبوبیت، در آرامش فرزند مؤثر است و این آرامش، در سلامت اعصاب و جسم تأثیر بسزایی خواهد داشت. بنابراین محبت می‌تواند اعتماد به نفس را در بین فرزندان وجود به وجود بیاورد و تمام بیماری‌های روحی آنها را از بین ببرد و موجب انگیزه آنها در تصمیم‌گیری صحیح و رشد عاطفی فرزند و تشویق آنان در درست انتخاب کردن مسیر زندگی خود شود.

کلید واژه: تربیت دینی، محبت، فرزندان

^۱ . طلبه سطح دو مدرسه علمیه خاتم الاوصیاء (عج)

تربیت انسان امروزه یکی از مهمترین دغدغه های بشر است انسان میخواهد همواره به نحو شایسته ای تربیت شود تا این که به سعادت واقعی دست یابد. در این میان او به دنبال آن است که تا بداند چه مکتبی و عاملی به این سعادت می رساند. در تربیت محبت، عشق و مودت عناصر مهم می باشند که تربیت بدون این سه یا یکی از آنها تحقق نمی یابد. محبت و تربیت ارتباط و تأثیر متقابل دارند، بگونه ای است که تربیت هرگاه بر پایه عشق و محبت نباشد، تربیت بخوبی انجام نمی شود. اگر در جامعه مهر و محبت نباشد، آن وقت منشاء بدبختی ها و گمراهی ها و دور شدن جوامع از همدیگر می شود. در اسلام محبت و عشق از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است با این وجود تحقق و دستیابی تربیت اسلامی مبتنی بر آن است انسان علاوه بر داشتن ویژگی های دیگر باید از محبت و عشق نیز برخوردار باشد. در بیان اهمیت و ضرورت تحقیق می توان گفت محبت در صورت و شخصیت انسان جلوه گر می شود و باعث رشد و تکامل او می گردد در همه زمانها و همه جوامع انسانی بالخصوص کودکان و فرزندان نیاز شدید به محبت دارند. در حالی که اکثر والدین در این امر کوتاهی کرده منجر به انحرافات اخلاقی، بزهکاری و فرار فرزند از خانواده شده اند. مطالعات انجام شده پیرامون نقش محبت والدین در تربیت دینی فرزندان از تنوع نسبتا زیادی برخوردارند که به اختصار به تعدادی از آنها اشاره می گردد. فرهادیان (1388) در تعریفی تحت عنوان تربیت برتر آن چه والدین و معلمان باید بدانند، مظاهری (1385) در مطالعه ایی تحت عنوان تربیت فرزند از نظر اسلام پرداخته اند. مطالعات انجام شده عمدتا متمرکز بر اهمیت تربیت دینی، روش های تربیت، وظایف والدین، وظایف فرزندان، وظایف معلمان و مربیان، انواع تربیت بوده و کمتر به بحث پیرامون نقش محبت والدین در تربیت دینی فرزندان پرداخته شده است. باعنایت به موارد فوق در این مطالعه تلاش می گردد تا به این سوال پاسخ داده شود که محبت والدین در تربیت دینی فرزندان چه نقشی دارد؟

تربیت در هر نظام و سیستمی که باشد بر اساس مشی و هدفی است، و منظور ما از هدف، نقطه ای است که مقدمه وصول به آن را داریم. وجود و تعیین هدف، ضرورت هر نظام تربیتی است. سیستمی که در آن معلوم نباشد انسان به کجا می خواهد برسد، همانند یک کشتی است که در میان امواج دریاست و نمی داند که کجا می خواهد پهلوی بگیرد. غزالی هدف تربیت را شناخت خدا از راه تصوف و عرفان و جهاد نفس و ریاضت می داند و ابن مسکویه هدف را وصول به حق و سعادت و زیبایی معرفی می کند ولی در اسلام هدف کلی تربیت را رساندن فرد به مقام عبودیت و یا پرورش عبدی صالح بیان می کنند. در نظام های تربیتی تا جایی که ممکن است سعی بر این است که هدف های پست و کوچک را نادیده بگیرند و کنار بگذارند و به دنبال هدف هایی می روند که از ارزش مطلق برخوردار باشند. اما پاره ای از واژه های قرآن، به نحوی به کار رفته است که ناظر به هدف هاست، یعنی نشانگر وضعیت هایی در رابطه با انسان هاست که باید آنها را متحقق نمود. از مهم ترین واژه هایی که نشان دهنده اهداف است واژه «رشد» است،¹ همانگونه که در قرآن کریم می فرماید: «فلیستجیبوا لی و لیومنوا بی لعلمهم یرشدون»² لذا جا دارد که رشد عاطفی، اخلاقی و وجدانی کودک را مورد بررسی قرار دهیم.

1- تربیت دینی

از آنجا که پدر و مادر در سعادت و شقاوت فرزند دخالت دارند پس باید به فرزندان خود توجه زیادی داشته باشند و پدر و مادر مواظب، در سعادت فرزند تاثیر فراوان دارند و پدر و مادر لایبالی و بی تفاوت در تربیت، در بیچارگی فرزندان تاثیر زیادی دارند. یکی از وظایف والدین در زندگی، پرورش روحانی و ایمانی کودکان است. امام علی (ع) می فرماید: «بخشش و تفضل هیچ پدری به فرزندش بهتر از عطیه ادب و تربیت پسندیده نیست»³ از این رو لازم است پدران و مادران و نیز معلمان که همان نقش والدین را نسبت به شاگردان خود دارند، به مسئولیت شرعی خویش آگاه باشند و در پرورش ایمان و اخلاق فرزندان، کمال جدیت و کوشش را اعمال نمایند.

2- رشد عواطف

تربیت و پرورش دینی در رشد و تکامل کودک مؤثر است و از جمله باعث رشد عواطف و روان کودکان می شود. منظور از رشد عاطفه، احیا و شکوفایی استعدادها، رشد طبیعی، تدریجی و هماهنگ آن شناخت و شکوفایی قابلیت های فطری، رشد و پرورش رغبت های مثبت، جهت دهی آنها به سوی کمال و انطباق آن

¹ پناهی، چگونه فرزندان می توانند داشته باشیم، ص 32

² بقره 186

³ مجلسی، بحار الانوار، ج 2، ص 234

با اصول و ضوابط انسانی، تعدیل حس رقابت و تملک و سرور و لذت است اما پرورش عواطف از هدف های مهم تربیت است. از نظر روان شناسان کودکانی که همواره از پرتو محبت خانواده برخوردارند سالم تر و باهوش تر از کودکان پرورشگاهی هستند و یکی از عوامل مهم عقب افتادگی کودکان دوری از محیط خانواده است. زیرا محیط خانواده بر رشد عقل و عواطف کودکان تاثیر دارد. در نتیجه از طریق پرورش و تربیتی بر مبنای اسلام می توان در رشد عاطفه و مهر و محبت در وجود کودکان مؤثر بود.

3- رشد اخلاقی - وجدانی

وجدان و فطرت انسان اهمیت والایی دارد، وجدان عبارت از آگاهی شخص از شخصیت و درون خود. وجدان یک درک باطنی است و در بسیاری از موارد هم کودکان بدون آموزش در می یابند که جهان گرداننده ای دارد که همان وجدان توحیدی است ولی برای اینکه در مسیر صحیح و درست خود باقی بماند نیاز به پرورش و تربیت دینی دارد.

عوامل مؤثر در تربیت دینی

همانا انسان ساخته و پرداخته عامل وراثت و محیط و خانواده و اندیشه و تفکر شخصی و تصمیمات ناشی از آن است منظور از وراثت، ویژگی ها و صفات و شرایطی است که از والدین و اجداد گذشته به انسان منتقل می شود همانند شکل، حجم، رنگ پوست، زشتی، زیبایی، فرم استخوان، هوش و برخی از بیماری ها و خلق و خویی که در افراد به صورت ملکه در آمده اند. منظور از محیط، مجموعه شرایط و عواملی است که افراد را در خود شناور کرده و آنها را تحت تاثیر قرار می دهد مثل عامل غذا، دوا، فرهنگ و اخلاق. خانواده هم خود به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تربیت دینی کودک است و سرچشمه تربیت دینی کودکان اصلاح خانواده است و رکن اساسی را در شکل گیری شخصیت کودکان ایفا می کند. اما باید متوجه این نکته نیز بود که سازندگان جامعه ما در مرحله نخست انسان ها هستند یعنی والدین و مربیان، برادر و خواهر، خویشاوندان و هم سالان، رهبران جامعه و افراد دیگر اجتماع است.¹

1- خانواده

از عوامل مؤثر در تربیت کودکان است که شامل پدر و مادر و دیگر افراد ارشد خانه است و نهاد خانواده سنگین ترین مسئولیت را در شکل گیری چارچوب شخصیت کودکان به عهده دارد. به همین دلیل است که اسلام و مکتب اهل بیت به مسئله انتخاب همسر و شریک زندگی اهمیت داده آن را رکن اساسی در شکل گیری شخصیت کودکان می داند و علاوه بر این مطلب باید توجه داشت که کودک در خانواده بر اساس آنچه که

¹. مروجی طبسی، حقوق فرزندان، ص 22

دیده و شنیده ، چه درست و چه غلط عمل می کند، پس نقش خانواده در تربیت کودک اهمیت فوق العاده ای دارد. پیامبر (ص) فرمودند: «رفتار اهل خانه در کودک اثر می گذارد و زمینه تربیت مناسب یا نامناسب را فراهم می کند.»^۱ چرا که کودک تحت تاثیر خانواده خویش است و از آنها تاثیر می پذیرد، خانواده است که گاهی می سازد و گاهی ویران می کند.

2- معلم

در تربیت اسلامی معلم از ارزش و احترام والایی برخوردار است. به علت حس تقلید در کودکان ، معلمان باید افرادی شایسته و برگزیده باشند به خصوص در آنچه که مربوط به اخلاق و سازندگی اخلاقی می شود. مدرسه خانه دوم کودک است و اولیای مدرسه نقش پدر و مادر درباره کودک ایفا می کنند و معلمان در مسیر کار انبیای الهی هستند و از این بایت باید واجد صفات و ویژگی هایی از آنان باشند. چرا که کودک از معلم و مدرسه بسیاری از چیزها را می آموزد. مدرسه می تواند با کودک همدم و هم صدا باشد و از این طریق در کودک نفوذ کند و معلمان سعی نمایند روحیه مودکان را پاک نگه دارند تا کودک در ورطه آلودگی نیفتد. پس معلم در سازندگی یا ویرانی اخلاقی کودکان نقش بسیار اساسی و مهمی دارد و کودکان کم و بیش از معلمان هنوز تاثیر می گیرند.

روش ها و راهکارهای تربیت دینی

1- تشویق و تنبیه

از جمله روش های محبت برای تربیت و اصلاح کودک ، تشویق و پاداش است ، چرا که تشویق و پاداش باعث نشاط و شادی کودک می شود و اگر این نشاط و شادی از راه تشویق کردن باشد ، کودک با اشتیاق تمام تلاش می کند، کارهایی را انجام دهد که مورد تشویق قرار بگیرد. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند : «الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین» کودک در هفت سال اول سرور و در هفت سال دوم بنده و در هفت سال سوم زندگی ، وزیر و مشاور است. «میل به تشویق و پاداش از منشا روانی سرچشمه می گیرد چرا که همه در انتظار تایید دیگران هستند ولی باید در نوع تشویق و تنبیه کودکان توجه کرد. تشویق و پاداش به خصوص از طرف کسانی که مورد احترام کودک هستند، به کودک رضایت خاطر می دهد و در او انرژی بیشتری به وجود می آورد. البته اگر کودک را وادار کنیم که همواره خودش به خود پاداش درونی بدهد و کمتر از دیگران انتظار تشویق و پاداش داشته باشد ، چنین حالتی برای سلامت روان کودک هم لازم و ضروری است و برای او بهتر است.^۲ اما روش تربیتی دیگر تنبیه کردن کودکان است ، تنبیه عبارت از ارائه یک محرک

^۱ .مجلسی، بحارالانوار، ج 4، ص 663

^۲ .سالاری فر، نظام خانواده در اسلام، ص 231

اصلی بیماران را تشکیل می دهند، ره فزاینده‌ای بر آنها تحمیل می شود. از این رو سلامت روان مادران و کارکرد آنها و ارائه خدمات آموزشی و حمایتی امری ضروری تلقی می شود و با توجه به تغییراتی که در طبقه بندی اختلالات روانی در سال ۲۰۱۳ انجام گرفت، کودکان بیشتری بر چسب بیماری روانی را میگیرند که با تکنولوژی مانند اینترنت تلگرام و فضای مجازی تا حدی اطلاعات والدین به صورت ناقص و گاهی اشتباه افزوده می شود. با این وجود اکسیر محبت می تواند جایگزین بسیاری از بیماری‌های روحی و جسمی کودک باشد و با محبت آرام و شاداب می شود و آنچه دل شاداب می گردد کمبود یا فقدان محبت زمینه‌ساز بسیاری از بیماری‌های روانی و جسمی کودک از قبیل بی اشتهایی، بی خوابی، شب ادراری، رفتارهای نامعقول، خواب های آشفته، افسردگی روانی، عصبانیت خشونت و غیره است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که با محبت کردن به فرزند بسیاری از بیماری‌های روحی و روانی و التیام پیدا می کند.^۱

صداقت و راستگویی فرزند

حرکات و افعال مربی به ویژه مادر و فضیلت‌های او در فرزند اثر بسزایی دارد. صرفه جویی، حرام نکردن نعمت‌های خدا و ساده زیستی فاطمه (سلام الله علیها) برغم داشتن امکانات، که اگر می‌خواست همه چیز برایش فراهم می‌شد الگویی برای فرزندانش است. آلبرت باندورا معتقد است که بخش مهمی از آنچه شخص یاد می‌گیرد از طریق الگوسازی به دست می‌آید. کودکان به دلیل داشتن حالت تقلید و الگوسازی به همانندسازی کنجکاوی برای فراگیری و قهرمان پرستی مادر را به عنوان کسی که بیشتر در کنار اوست الگو قرار می‌دهد و عادات و اخلاق مادر در او واقع می‌شود. صداقت و دوستی از زیبنده‌ترین فضیلت‌های انسانی است. صدق وضعی هست که تمام فضایل علم و عمل را در بر می‌گیرد ممکن نیست کسی دارای صداقت باشد و عفت و شجاعت حکمت و عدالت چهار ریشه اخلاق را نداشته باشد، چون آدمی به غیر از اعتقاد و قول و عمل چیز دیگری ندارد و وقتی بنا بگذارد که جز راست نگوید، ناچار است این سه چیز را با هم مطابق سازد. یعنی انجام ندهد مگر آنچه را که می‌گوید و نگوید هر آنچه را که معتقد است و گرنه دچار دروغ می‌شود. ادب و احترام در گفتار خانواده فاطمه (سلام الله علیها) نمایان است. استفاده از کلمات محبت آمیز و مؤدبانه سبب محبت و صفای بیشتر خانوادگی می‌شود. امام حسین (علیه السلام) از جد بزرگوارشان اجازه ورود گرفتند، ایشان اینگونه احترام و ادب را از گفتار و رفتار مادر آموختند. حتی در گفتار نسبت به یکدیگر نیز ادب و احترام را رعایت می‌کردند. امام باقر علیهم السلام می‌فرمایند: <>ما تکلم الحسین بین یدی الحسن اعظاما.<>^۲ امام حسین (علیه السلام) جز با احترام نزد امام حسن (علیه السلام) صحبت نمی‌کرد، کودک این صفت‌ها را از مربی و

^۱ . یقین، نقش پدر در تربیت کودک، ص ۲۲

^۲ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۴۰۱

خصوصاً مادر و پدر فرا می‌گیرد و به آن خو می‌کند، پس نه تنها داشتن صداقت و درستی سبب آرامش و آسایش است بلکه از ضروری‌ترین صفات برای پدر و مادر یا مربی می‌باشد. زهرای اطهر (سلام الله علیها) در صداقت و درستی سرآمد مردم بود که عایشه درباره‌اش می‌گفت کسی راست‌گوتر از فاطمه ندیدم، مگر فرزندان را چنین مادری، چنان فرزندانی تربیت می‌کند. در حوزه تربیت دینی هم صداقت جایگاه ویژه‌ای دارد. تمام پیامبران و پیشوایان الهی مردم را به راستگویی دعوت کردند و از دروغگویی بر حذر داشته‌اند تا آنجا که اسلام یکی از ارکان اساسی و شاخصه‌های برجسته دین را در صداقت معرفی کرده و دروغگویی را کلید همه پلیدی‌ها خوانده است. امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین جانشین و هدایتگر پسر رسول خاتم می‌فرماید: <<جعلت الخبائث فی بیت وجعل مفتاحه الکذب.>>^۱ یعنی تمام پلیدی‌ها در اتفاقی قرار داده شده که کلید آن دروغ است. بدین سان به این نتیجه می‌رسیم با محبت به فرزند صداقت و عفت او را در آینده واکسینه می‌کنیم.

انگیزه سازی

دومین چیزی که می‌تواند محبت والدین را به عنوان نقش تربیتی نقش بسزایی داشته باشد انگیزه سازی است. گرچه کودکان تشویق و تحسین را دوست دارند کودکان به چیزی بیشتر از تحسین و تمجید که صرفاً باعث لذت آن می‌شود، نیاز دارند بدانند چه کسی برای آنها اهمیت و احترام قائل شود. کودکان دوست دارند بشنوند که موجب خوشحالی والدینشان شده‌اند. کودکانی که به آنها بی‌اعتنایی و بی‌توجهی می‌شود، نمی‌تواند حس کند که عزیز شمرده شده‌اند چرا که مورد انتقاد سرزنش و تحقیر قرار گرفتند. استفاده از تکنیک‌های انگیزشی درونی را افزایش می‌دهد. ارتباط بهینه با کیفیت بالا را بین والدین و فرزند ایجاد می‌کند از شایستگی و خودمختاری حمایت می‌کند. بهترین شیوه برای ایجاد انگیزه و تداوم است. نحوه و میزان توجه و محبت والدین شیوه‌های فرزندپروری آزاد منشی و پدر نحوه و میزان انتظار از کودک تشویق و تقویت کودک برای تلاش در محبت پیشرفت و محیط حمایت‌کننده تاثیر بسزایی بر احساس شایستگی و خودمختاری و در نتیجه با انگیزه شدن فرزند دارد. محیط‌های خانوادگی که والدین در آن درباره فرزند خود صحبت می‌کنند، با آن حرف می‌زنند و به نیاز کودک به دقت و توجه به پاسخ می‌دهند برای باد آزادی استقلال مسئولیت‌پذیری ارزش قائل هستند البته با توجه به شرایط سنی کودک او را رفته رفته برای مستقل شدن آماده می‌کنند. کودکانی که از سنین پایین‌تر به شیوه نسبتاً مستقل منظم و متکی به نفس پرورش می‌یابند و والدین آنها انتظارات و معیارهای بالا و بازخوردهای بازار برای آنها فراهم می‌نمایند در زمره افراد با انگیزه در می‌آیند کودکانی که والدین آنها از دلیل و برهان برای تعدیل آنها استفاده می‌کنند و قوانین خانواده با بحث و گفتگو برای شان شرح داده می‌شود، در عمل دارای رفتار مستقلانه و پیشرفته تری خواهند بود و والدین به فرزندان

^۱ ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۶۹

خود امکان می دهند که با توجه به رشد فکری و ذهنی شان در مسائل مربوط به خود تصمیم گیری های اتخاذ کنند، رفتار مستقلانه تری را در آنها پرورش میدهند به کودک می آموزد که در مقابل اخذ تصمیم نیز با خود اوست. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم به عنوان بالاترین مربی بشر با محبت به مردم انگیزه تغییر و اصلاح میداد و بیشترین لطف و محبت را به مردم داشت. حضرت تحولات اساسی را در پرتاب چنین روشی برای افراد محقق می کرد زیرا روش محبت در تربیت روشی برانگیزاننده همه استعدادها ی آدمی در محبت کمال مطلق است.¹ بدین رو می توان انگیزه سازی را به عنوان یکی از عوامل محبت کردن به فرزند در نظر گرفت.

¹ . مطهری، جاذبه ودافعه، ص 41

نتیجه گیری

از اثرات محبت والدین بر تربیت دینی فرزندان می‌توان به اعتماد به نفس، تشویق کودکان، رشد عاطفی کودک، داروی بسیاری از بیماری‌های روحی و انگیزه‌سازی اشاره نمود. با محبت کردن به فرزند او احساس امنیت می‌کند و حس پذیرفته شدن و احساس تعلق در او به وجود می‌آید. محبت بین والدین و فرزندان روابط سالم را در آنها به وجود می‌آورد که این روابط اعتماد به نفس فرزند را بالا می‌برد. از دیگر اثرات محبت تشویق فرزندان در تصمیم‌گیری‌های صحیح در آینده است. این محبت منجر می‌شود فرد به سوی فضائل اخلاقی شرف و انسانیت سوق داده شود. از طرف دیگر وقتی والدین محبت می‌کنند بین آنها با فرزندان ارتباط عاطفی دوستانه به وجود می‌آید که این ارتباط محیطی عاطفی را شکل می‌دهد که بتوانند فرزندان توانمندی‌هایی را که در فطرتشان نهاده شده به تدریج بروز و پرورش دهند. محبت می‌تواند بسیاری از بیماری‌های روحی فرزندان را از بین ببرد، زیرا بیماری روحی به شدت خانواده‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد که حین تاثیر در ابعاد مختلفی همچون سلامت روان، عملکرد اجتماعی، اقتصادی و غیره قابل مشاهده است. یکی دیگر از عوامل محبت به فرزندان انگیزه‌سازی در بین آنها می‌باشد، که این محبت رفتار مستقلانه در آنها پرورش می‌دهد تا فرزند بتواند با توجه به رشد فکری و ذهنی‌شان در مسائل مربوط به خود تصمیم‌گیری‌هایی انجام دهد.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم

- 1- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، قم، اسلامیه، 1401
- 2- پناهی، علی، چگونه فرزندی توانمند، سالم و بانشاط داشته باشیم، قم، سبز، 1401
- 3- حبیبی، محمدرضا، تربیت فرزندان: باید ها و نبایدهایی برای پدر و مادرها، تهران، بوستان، 1398
- 4- زمانی، نرگس و همکاران، مقاله بررسی عملکرد خانواده کودکان مبتلا به اختلالات روانی، ش 4
- 5- سالاری، فر، محمدرضا، نظام خانواده در اسلام، قم، هاجر، 1385
- 6- سعادت، کریم، وظایف والدین در تربیت فرزندان، تهران، گلشادی، 1394
- 7- عباسی ولدی، محسن، من دیگر ما، قم، جامعه الزهرا (س)، 1380
- 8- غنوی، امیر، نقش والدین در تربیت فرزند، قم، سازوکار، 1403
- 9- قائمی، علی، اعتماد به نفس، تهران، دانشگاه تهران، 1388
- 10- قائمی، علی، تاثیر خانواده در اعتماد به نفس کودکان، تهران، بوستان، 1378
- 11- کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، اسلامیه، 1377
- 12- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، قم، دار احیاء التراث العربی، 1403 ه.ق
- 13- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، اسلامیه، 1400
- 14- مروجی طبسی، محمد جواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، قم، بوستان، 1392
- 15- مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه، قم، صدرا، 1396
- 16- نوایی نژاد، شکوه، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، 1380
- 17- یقین، صهبا، نقش پدر در تربیت کودک، کتاب درمانی، 1377